

● خودآگاهی

این من نه منم آن که منم گویی کیست؟
گویا نه منم در دهنم گویی کیست؟
من پیره‌نی بیش نیم سر تا پای
آن کس که تنش پیره‌نم گویی کیست؟

رباعیات مولوی

بخشی از هویت آگاهانه است، یعنی ما آن را می‌شناسیم یا آن که دیگران به آن پی می‌برند و آن را برای ما بازگو می‌کنند و بخش دیگر برای ما پنهان است و ما آن را نمی‌شناسیم.

ما گاه درباره ویژگی‌هایی از خود که به آن واقف نیستیم تأمل می‌کنیم. درباره آنها می‌اندیشیم و گاهی برای شناخت خود از دیگران کمک می‌گیریم، از دوستان خود درباره نقاط قوت و ضعف خویش سوال می‌کنیم. به نزد مشاوران، روانشناسان و روانکاوان رفته و از آنها مشاوره می‌گیریم. جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان نیز درباره ابعاد اجتماعی و فرهنگی هویت انسانها، بحث می‌کنند و در این باره نظریاتی ارائه می‌دهند. فیلسوفان نیز مباحث گسترده‌ای درباره هویت دارند.

ما تردیدی نداریم که گاه در شناخت ویژگی‌های هویتی خود و دیگران دچار خطا و اشتباه می‌شویم. وجود نظریات متفاوتی که درباره هویت افراد داده می‌شود، نشانه این است که خطا و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد.

پیامبران و اولیای الهی نیز از دیرباز درباره ابعاد الهی، فردی و اجتماعی هویت انسانها و همچنین درباره غفلت و فراموشی انسانها از هویت حقیقی خود سخن گفته‌اند.

● دین و پیامبران الهی، فیلسوفان، روان‌شناسان، انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان درباره غفلت و فراموشی انسانها از هویت واقعی خود نظریات متنوعی دارند. با راهنمایی دبیر خود درباره این نظریات گفتگو کنید.





هویت ، هویت اکتسابی ، ،

.....

.....



به ویژگی های هویتی که انسانها در پیدایش و تداوم آنها تاثیر داشته باشند
هویت های اکتسابی می گویند.

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....



● تمایز هویت فردی و اجتماعی

به پاسخ خود به پرسش کیستی؟! دوباره بیندیشید. ویژگی‌هایی که بیان می‌کنید برخی فردی و برخی اجتماعی‌اند. به نظر شما این بخش‌های فردی و اجتماعی هویت انسان چگونه شکل می‌گیرند و از یکدیگر جدا می‌شوند؟

هویت فردی به دو بخش جسمانی و غیرجسمانی تقسیم می‌شود. هویت جسمانی مواردی از قبیل تاریخ تولد، وزن، قد، گروه خونی است که به بدن انسان باز می‌گردند و مربوط به جهان طبیعت هستند. ویژگی‌های فردی غیر جسمانی شامل صفات اخلاقی و روانی مانند پشتکار، تنبلی، اخلاص، امید و یأس می‌باشد. این ویژگی‌های هویتی مربوط به جهان نفس یا جان آدمی می‌باشند.

هویت اجتماعی مواردی از قبیل فرزند بودن، معلّم بودن، ایرانی یا مسلمان بودن است. این بخش از هویت شامل صفاتی است که ریشه در جامعه و فرهنگ دارند و در جهان اجتماعی شکل می‌گیرند. می‌دانیم جهان اجتماعی برخلاف جهان طبیعی و جهان

نفسانی انسانها با فرهنگ و آگاهی مشترک آدمیان شکل می‌گیرد. عضویت در یک خانواده بخشی از هویت اجتماعی ماست. وقتی خود را فرزند یک خانواده معرفی می‌کنیم، افراد درون خانواده (پدر بزرگ، مادر بزرگ، پدر، مادر و فرزندان) و افراد بیرون خانواده (اقوام، آشنایان و دیگر افراد جامعه) معنای خانواده، قواعد، روابط، حقوق و وظایف مربوط به آن را می‌شناسند و رعایت می‌کنند. هنگامی که خود را عضو گروه خاصی معرفی می‌کنیم، در حقیقت به هویت اجتماعی خود اشاره می‌کنیم.

● بخشی از هویت ما محصول نقش‌های اجتماعی است که به عهده داریم. برخی از نقش‌هایی را که در خانواده به عهده دارید نام ببرید و حقوق و تکالیف هر کدام را بنویسید.



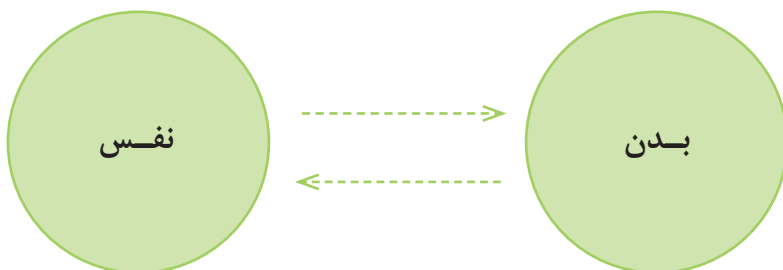
● تعامل بخش‌های مختلف هویتی

آیا بخش‌های فردی و اجتماعی هویت با یکدیگر ارتباط دارند و بر هم اثر می‌گذارند؟

جهانهای سه گانه طبیعی (طبیعت و بدن انسان)، نفسانی و اجتماعی از یکدیگر جدا نیستند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند.

● ویژگی‌های جسمانی افراد بر خصوصیات روحی آنها اثر می‌گذارد. بسیاری از بیماریهای جسمانی سلامت نفس و روان آدمی را به خطر می‌اندازد، برخی از اضطراب‌ها ریشه در عوامل جسمانی دارد. ترشحات زیاد غده تیروئید موجب عصبانی شدن انسان می‌گردد. قوای بدنی در حکم ابزارهایی برای قوای نفسانی و روانی انسان هستند. اگر این قوا آسیب ببینند، زمینه پرورش قوای روحی و نفسانی نیز آسیب می‌بیند.

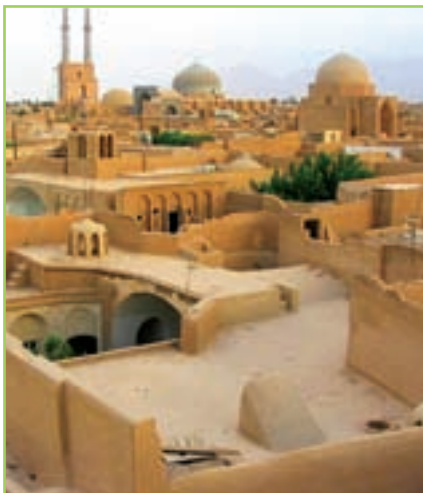
● ابعاد روحی و روانی انسانی نیز در وضعیت و خصوصیات جسمانی او اثر می‌گذارد. به همین دلیل برخی از مرضهای جسمانی از طریق کمک گرفتن قوای روحی درمان می‌شود. از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «مَا ضَعَفَ بَدَنٌ عَمَّا قَوَّيَتْ عَلَيْهِ اَللّٰيْه» بدن نسبت به آنچه که نیت و عزم آدمی بر آن قوی شده باشد احساس ضعف نمی‌کند.





● جهان اجتماعی، طبیعت و بدن آدمیان نیز تعامل و تأثیر متقابل دارند. محیط های جغرافیایی مختلف تأثیراتی در مناسبات و روابط اجتماعی می گذارند. در شرایط جغرافیایی نامناسب امکان شکل گیری زندگی اجتماعی وجود ندارد و در شرایط اقلیمی مختلف فرهنگ های متفاوتی پدید می آید.

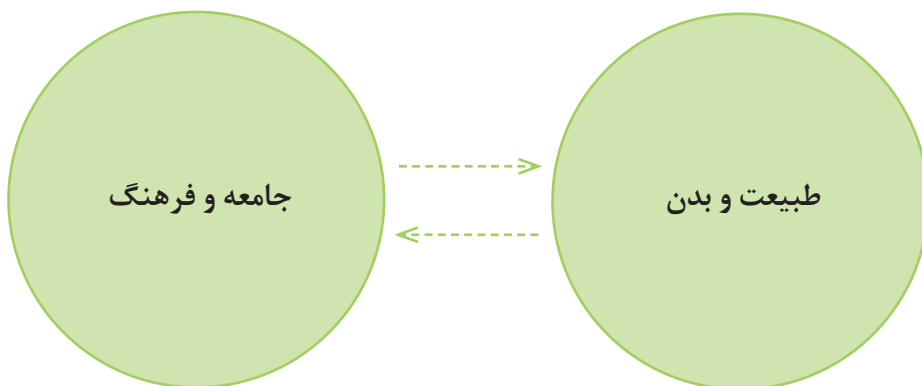
اخوان الصفا گروهی از دانشمندان قرن چهارم هجری بودند که به تأثیر جغرافیا و طبیعت در زندگی اجتماعی انسان پرداختند. ابن خلدون نیز در قرن هشتم هجری در این باره بحث کرده است. منتسکیو اندیشمند فرانسوی نیز درباره تأثیر جغرافیای طبیعی بر فرهنگ انسانی تحقیق کرده است.



● یزد



● ماسوله



همان گونه که جهان طبیعت و خصوصیات بدنی انسانها در فرهنگ و جهان اجتماعی آنها اثر می‌گذارد، جهان اجتماعی نیز در جهان طبیعت و خصوصیات جسمانی افراد جامعه اثرگذار است.

قرآن کریم برخی از کنش‌های اجتماعی انسانها را مبدأ فساد می‌داند که در خشکی و دریا به وجود می‌آید^۱ و برخی از کنش‌های دیگر را منشأ گشایش برکات آسمان و زمین بر روی انسانها می‌خواند.^۲

امروز تأثیر کنش‌های اجتماعی انسان بر محیط زیست از مهمترین مسائلی است که توجه جامعه انسانی را به خود مشغول داشته است. کنش‌های اجتماعی انسانها ممکن است نه تنها شرایط زیستی دیگر موجودات بلکه شرایط زیست و زندگی انسان را نیز در معرض خطر و نابودی قرار دهد.

● جهان اجتماعی و ویژگی‌های نفسانی و روانی افراد جامعه نیز تعامل و تأثیر متقابل دارند. خصوصیات روانی و اخلاقی انسانها در جهان اجتماعی تأثیرگذار است، برخی از آدمیان به دلیل شایستگی‌های روحی و روانی خود، مسیر زندگی اجتماعی انسانها را دگرگون می‌سازند و بعضی دیگر به دلیل شقاوت باطنی خود جامعه و تاریخی را به نابودی می‌کشانند.

۱- «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم، آیه ۴۱) ترجمه: در دریا و خشکی فساد به خاطر کارهای بد مردم، ظاهر گشت تا خدا به این وسیله بعضی از آثار کار بد را به ایشان بچشاند تا شاید بازگردند.

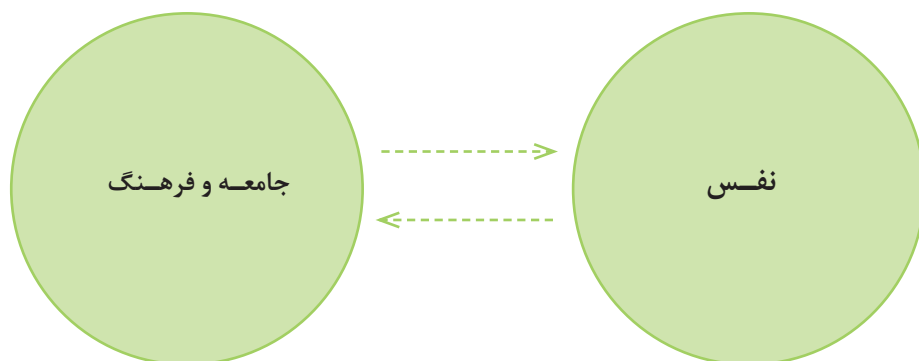
۲- «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف، آیه ۹۶) ترجمه: و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند به یقین برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم. ولی تکذیب کردند پس به کیفر دستاوردهان گریبان آنان را گرفتیم.



امام خمینی می‌فرمایند: «یک انسان با تقوا جهانی را تغییر می‌دهد» ایشان خود نمونه‌ای از افرادی بودند که با تقوای خود توانستند، مسیر تاریخ جامعه ایران، امت اسلام و بلکه جهان امروز بشریت را دگرگون سازد.



همان‌گونه که خصوصیات روحی و روانی افراد در مسیر تحولات فرهنگ و تاریخ تأثیر گذار است، جهان اجتماعی نیز در خصوصیات روحی افراد اثر می‌گذارد و امکان رشد برخی از فضایل و رذایل را از بین می‌برد یا زمینه رشد آنها را فراهم می‌آورد.





• تناسب هویت های فردی و اجتماعی

آیا هر نوع هویت اجتماعی با هر نوع هویت فردی سازگار است یا آن که هر جهان اجتماعی، براساس هویت اجتماعی خود با نوع خاصی از هویت فردی افراد سازگار است؟

هر جهان اجتماعی براساس عقاید، آرمانها و ارزشهای کلان خود شکل می گیرد و بر اساس آنها قواعد، هنجارها، نمادها، نهادها و سازمانهای جامعه سازمان می یابند و همچنین هویت اجتماعی هر فرد نیز در درون جهان اجتماعی براساس همان عقاید و ارزشها رقم می خورد.

هر جهان اجتماعی به تناسب هویت خود با جهان طبیعی و جهان نفسانی (هویت اخلاقی و روانی انسانها) تعامل می کند.



- در جامعه قبیله ای هویت جمعی افراد در جایگاه قبیله ای آنها مشخص می شود.
- در جامعه سرمایه داری هویت اشخاص به ثروت و توان اقتصادی آنها شناخته می شود.
- در جامعه دینی هویت جمعی افراد بر مدار ارزشهایی است که آن دین محترم می شمارد. مثلاً اسلام، در فرهنگ آرمانی خود هویت افراد را با علم، تقوی و عدالت ارزیابی می کند.



• هر جهان اجتماعی به تناسب مبانی اعتقادی، آرمانها و ارزشهای خود با طبیعت و بدن آدمی مواجه می‌شود و با آن تعامل می‌کند. نگاه دنیوی جهان متجدد و ارزشهای اخلاقی آن به گونه‌ای است که به طبیعت به عنوان یک ماده بی جان، برای تصرف و به خدمت گرفتن آن نگاه می‌شود. انسان در این جهان هر نوع تصرفی را برای بهره‌وری بیشتر از طبیعت انجام می‌دهد.

در جهان معنوی اسلام، طبیعت به عنوان موجودی زنده، آیت و نشانه خداوند است. انسان در طبیعت به عنوان خلیفه خداوند است و خلیفه خداوند براساس اراده و مشیت الهی وظیفه عمران و آبادانی آن را دارد؛ یعنی انسان حق ندارد تصرفاتی را که مخالف اراده حکیمانه الهی است در جهان طبیعت و در جسم و بدن خود انجام دهد.

• هر جهان اجتماعی با نوعی خاص از هویت اخلاقی و روانی افراد نیز سازگار است و زمینه پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می‌آورد و امکان پیدایش و رشد دیگر انواع را از بین می‌برد.



به عنوان مثال جهان غرب به تناسب رویکرد این جهانی خود، با آن دسته از اوصاف روانی و اخلاقی سازگار است که در ارتباط با آرمانها و ارزشهای دنیوی آن شکل گیرند و با ویژگی های اخلاقی که براساس ارزشهای معنوی و الهی وجود انسان شکل گرفته باشند، سازگار نیست. همان گونه که هویت اجتماعی جهان متجدد، با هویت روانی و اخلاقی معنوی ناسازگار است، هویت اخلاقی و الهی انسان نیز نمی تواند با هویت جمعی دنیوی این جهان سازگاری داشته باشد.



● با کمک معلم خود اخلاق ورزشکاران جهان اسلام(اخلاق پهلوانی)را با اخلاق ورزشی جهان جدید(اخلاق قهرمانی)مقایسه کنید. تناسب این دو نوع اخلاق را با ارزشهای کلان اجتماعی بیان کنید.



● جهان پهلوان غلامرضا تختی



● شهید سعید طوقانی متولد سال ۱۳۴۸ در شهر تهران بود که در سن ۷ سالگی در ورزش باستانی، بازوبند پهلوانی کشور را به دست آورد. او بارها در جبهه های نبرد حق حضور می یابد و در عملیات بدر نوجوانی ۱۵ ساله است که در تداوم راه برادر شهیدش موفق به کسب مدال جاویدان شهادت در راه خدا می شود.





هویت فردی، هویت اجتماعی، ،

.....

.....



هویت اجتماعی شامل صفاتی است که ریشه در جامعه و فرهنگ دارند و در جهان اجتماعی شکل می‌گیرند.

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....



● هویت اجتماعی و جامعه پذیری

یک کندوی زنبور عسل را در نظر بگیرید. در آن چندین گروه زنبور وجود دارد و هر گروه وظیفه خود را به صورت غریزی انجام می‌دهد. در صورتی که انسان به طور غریزی، فعالیت‌های گروهی و اجتماعی خود را انجام نمی‌دهد. به نظر شما انسانها، چگونه به موقعیت اجتماعی خود پی می‌برند و چگونه هویت اجتماعی خود را شکل می‌دهند؟

هر فرد در یک جهان اجتماعی متولد می‌شود، این جهان اجتماعی به وسیله نسل‌های قبل از او ایجاد شده است.

جهان اجتماعی به هنگام تولد هر فرد، بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می‌کند، یعنی آن فرد را به عنوان یکی از اعضای خود به رسمیت می‌شناسد و برای او شناسنامه‌ای متناسب با موقعیتی که در آن قرار گرفته است، در نظر می‌گیرد و فرد به تدریج با هویتی که جامعه برای او در نظر گرفته است آشنا می‌شود.

جهان اجتماعی برای تداوم حیات خود، اعتقادات، ارزشها و هنجارهای زندگی مناسب

با خود را از طریق نهادهای فرهنگی به فرد آموزش می‌دهد. فرد با آموزشهایی که در خانواده می‌بیند، اولین و مهمترین آشنایی‌ها را با جهانی که در آن متولد شده است، پیدا می‌کند.

مدرسه، گروه‌های همبازی و رسانه‌های جمعی از دیگر عوامل آشنایی کودک با جهانی هستند که در آن زندگی می‌کند.

به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنبال می‌کند و مسیری که برای تکوین و شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد طی می‌شود جامعه‌پذیری می‌گویند.

• آیا جامعه‌پذیری در جوامع مختلف شیوه واحد و ثابتی دارد یا متفاوت است؟ در این باره بیندیشید و نمونه بیاورید.



• هویت و کنترل اجتماعی

آیا فرایند جامعه‌پذیری همیشه با موفقیت انجام می‌شود؟ آیا افراد می‌توانند از پذیرش عقاید، ارزشها، قواعد و هنجارهای اجتماعی سر باز زنند؟ جامعه برای استمرار و تداوم خود چه می‌کند؟

انسانها دارای اختیارند و همواره می‌توانند هویتی را که جامعه برای آنان در نظر گرفته است، نپذیرند یا آن که در مسیر قواعد و هنجارهای اجتماعی حرکت نکنند.



همواره افرادی هستند که جذب عقاید، ارزشها و آرمانهای جهان اجتماعی خود نمی‌شوند و نقشی را که سازمانها و بخش‌های مختلف جامعه از آنها انتظار دارد، نمی‌پذیرند و رفتارهای مخالف انجام می‌دهند. به رفتارهایی که برخلاف عقاید، ارزشها، قواعد و هنجارهای جامعه هستند، کجروی اجتماعی می‌گویند. هر جامعه در تداوم جامعه‌پذیری برای آن که افراد شیوه‌های زندگی آن را بپذیرند و همچنین برای پیشگیری و کنترل کجروی‌های اجتماعی روش‌های زیر را دنبال می‌کند:



۱. تبلیغ و اقناع: جامعه از طریق نهادهای فرهنگی و آموزشی می‌کوشد تا باورها، عقاید و ارزشهای خود را به گونه‌ای تبلیغ کند که افراد قانع شوند.
 ۲. تشویق و پاداش: جامعه افرادی را که مطابق ارزشها و قواعد جامعه عمل کنند، تشویق کرده و به آنها پاداشهایی می‌دهد.
 ۳. تنبیه و مجازات: جامعه کسانی را که به انحراف اجتماعی دچار شده باشند تنبیه و مجازات می‌کند.
- به مجموعه فعالیت‌هایی که برای پذیرش فرهنگ و انطباق دادن افراد با انتظارات جامعه انجام می‌شود کنترل اجتماعی می‌گویند.

جامعه برای حفظ سلامت عمومی نیازمند پزشکان متخصص است. به دست آوردن تخصص کاری دشوار است. به نظر شما در جامعه برای جذب افراد به رشته پزشکی چه کارهایی انجام می‌شود؟

برخی از پزشکان ممکن است برخلاف هنجارهای پذیرفته شده عمل کنند. برخی از کجرویهای اجتماعی پزشکی را نام ببرید و راه‌ها و شیوه‌های پیشگیری و کنترل آن را بیان کنید؟



مراتب کنترل اجتماعی

شما کم و بیش با تبلیغ، تشویق و تنبیه آشنا هستید. به نظر شما این سازوکارها در چه مواردی به کار برده می‌شوند؟ آیا همه جوامع روشهای یکسانی برای آنها دارند؟

اقناع روشی است که به واسطه آن فرهنگ در افراد درونی می‌شود. هرچه قدرت اقناع یک فرهنگ بیشتر باشد افراد رفتارهای متناسب با آن فرهنگ را بهتر انجام می‌دهند.



فرهنگ‌هایی که زمینه منطقی و عقلانی بیشتری دارند و با فطرت آدمیان سازگارترند از قدرت اقناعی بیشتری برخوردارند.

تشویق و تنبیه بیشتر در مورد افرادی که ارزشهای فرهنگی را به میزان کمتری درونی کرده‌اند به کار برده می‌شود.

تشویق و تنبیه نسبت به پدیده‌های مختلف فرهنگی یکسان انجام نمی‌شود، هر پدیده فرهنگی به میزان اهمیتی که دارد از تشویق یا تنبیه بیشتری برخوردار است.

تشویق و تنبیه به دو صورت رسمی و غیر رسمی انجام می‌شود. شکل غیر رسمی پاداش و تنبیه بیشتر در خانواده، بین همسالان یا به وسیله عموم افراد جامعه انجام می‌شود. پاداش و مجازات رسمی بیشتر توسط سازمانها و مؤسسات اجتماعی مانند ادارات، پلیس و دادگاه و زندان صورت می‌گیرد. روشهای غیر رسمی، آثار عمیق تری دارند.

جامعه و فرهنگی که روشهای مناسبی برای تبلیغ، تشویق و تنبیه نداشته باشد در معرض آسیب‌ها و ناهنجاریهای بیشتری قرار می‌گیرد و دوام و بقای آن تهدید می‌گردد.

امر به معروف و نهی از منکر دو عنصر فرهنگی در آموزه‌های اسلامی هستند، این دو عنصر دارای آثار فردی و اجتماعی و نتایج معنوی و دنیوی می‌باشند. امر به معروف و نهی از منکر در فرایندهای جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی نقش مهمی دارند.

امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتب و روشهای مختلفی است. برخی از روشهای آن تبلیغی و برخی تشویقی یا تنبیهی است. مسئولیت برخی از مراتب امر به معروف و نهی از منکر به عهده همه افراد جامعه است و مسئولیت برخی از مراتب آن برعهده سازمانهای رسمی و حکومتی است.

- مسئولیت کدام مراتب امر به معروف و نهی از منکر، همگانی است و کدام مراتب آن وظیفه نهادها و مراکز رسمی است.





جامعه پذیری، کجروی اجتماعی ،

.....

.....



به فرایند مشارکت هر فرد در زندگی اجتماعی و مسیری که برای تکوین و شکل گیری هویت اجتماعی طی شود جامعه پذیری می گویند.

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....



هشتم
درس

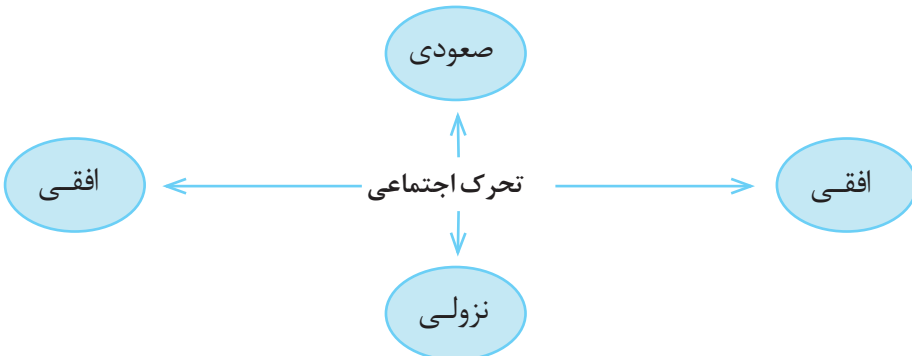
تغییرات هویتی و تحولات اجتماعی

۸

● هویت اکتسابی و تحرک اجتماعی

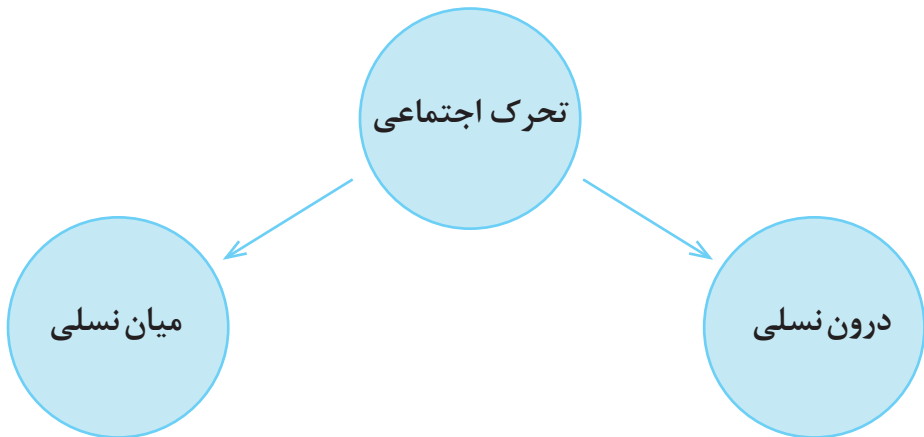
کسب هویت‌های اجتماعی جدید با تغییراتی در موقعیت‌های اجتماعی افراد همراه است. این تغییرات موقعیتی می‌تواند چه صورت‌ها و اشکالی داشته باشد؟

انسانها پس از تولد اغلب هویت اجتماعی انتسابی خود را به صورت انفعالی در محیط خانواده و غیر آن می‌پذیرند. آنها پس از مدتی به گونه‌ای فعال با محیط اجتماعی خود برخورد می‌کنند و هویت اکتسابی اجتماعی خود را به دست می‌آورند و با کسب این هویت‌های اجتماعی جدید، موقعیت‌های اجتماعی نوینی را به دست می‌آورند.



جابجایی افراد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر را تحرک اجتماعی می‌گویند. تحرک اجتماعی سه نوع صعودی، نزولی و افقی دارد. کارمند یک اداره هنگامی که مدیر بخش اداره می‌شود و یا مدیر یک بخش هنگامی که مدیر کل می‌گردد، تحرک اجتماعی صعودی پیدا کرده است. مدیر اداره هنگامی که از مدیریت عزل می‌شود و به صورت یک کارمند عادی به کار خود ادامه می‌دهد، تحرک اجتماعی نزولی دارد. شخصی که شغل خود را تغییر می‌دهد، در صورتی که شغل جدید موقعیت اجتماعی او را تغییر ندهد، تحرک اجتماعی افقی دارد. کارمندی که از یک بخش اداره به بخش دیگر انتقال پیدا می‌کند، تحرک اجتماعی افقی پیدا کرده است.

• تحرک اجتماعی گاه در درون یک نسل و گاه در دو نسل اتفاق می‌افتد، نمونه‌هایی از تحرک اجتماعی درون نسلی و میان نسلی را بیان کنید.



• فرصت‌های اجتماعی

آیا افراد در جهانی که زندگی می‌کنند، می‌توانند هر نوع هویت اجتماعی را به دست بیاورند؟

فرصت‌هایی که افراد در جهانهای مختلف برای تحرک اجتماعی و کسب هویت‌های اجتماعی جدید دارند، یکسان نیست. هر جامعه به تناسب عقاید و ارزشهایی که دارد برخی تغییرات هویتی و تحرکات اجتماعی را تشویق و برخی دیگر را منع می‌نماید. مثلاً:

• جامعه‌ای که براساس ارزشهای نژادی شکل می‌گیرد، صرفاً برای یک نژاد خاص امکان تحرک اجتماعی صعودی فراهم می‌آورد.

- جامعه‌ای که مناسبات و روابط آن بر مدار ارزشهای اقتصادی شکل می‌گیرد، تحرکات اجتماعی صعودی را تنها برای کسانی ممکن می‌سازد که منابع ثروت را در اختیار دارند.
- جهانی که بر مدار ارزشهای دنیوی و این جهانی شکل می‌گیرد، تحرکات اجتماعی را در محدوده همان ارزشها به رسمیت می‌شناسد .
- در یک جهان سکولار، هویت دینی و معنوی افراد نمی‌تواند در جامعه بروز و ظهور اجتماعی داشته باشد. در این جهان فعالیت‌هایی که هویت دینی افراد را آشکار کند، منع می‌شوند. در جوامع سکولار و دنیوی امکان رأی دادن به قوانین معنوی و الهی وجود ندارد.
- در یک جهان دینی و معنوی نیز هویت‌هایی که ابعاد متعالی و الهی انسان را نفی کنند، به رسمیت شناخته نمی‌شوند.

• اکثریت مردم الجزایر در سال ۱۹۹۱ میلادی به حاکمیت اسلامی رأی دادند اما کودتای نظامی مانع از اجرای نتایج انتخابات شد. رئیس‌جمهور وقت آمریکا در دفاع از این کودتا گفت: مردم الجزایر نیاز به دموکراسی کنترل شده دارند، این عبارت رئیس‌جمهور آمریکا را تحلیل کنید.



تعارضات فرهنگی

اگر تغییرات هویتی مطابق عقاید و ارزشهای جامعه نباشد و فراتر از فرصت‌هایی باشد که در یک جهان اجتماعی وجود دارد، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟

تا هنگامی که هویت اجتماعی افراد در چارچوب عقاید و ارزشهای محوری جامعه شکل گیرد، تغییرات هویتی در درون یک جهان اجتماعی واحد رقم می‌خورد و این تغییرات نه تنها در تعارض با هویت فرهنگی جامعه قرار نمی‌گیرد، بلکه می‌تواند مستلزم گسترش و توسعه فرهنگ اجتماعی باشد و به همین دلیل این گونه تغییرات می‌تواند مورد تشویق و تأیید جامعه نیز قرار گیرد.



فردی که با تلاش و پشتکار خود، در یکی از عرصه های اجتماعی دست به نوآوری می زند و از این طریق موقعیت اجتماعی خود و بخشی از افراد جامعه را ارتقا می بخشد، مورد تأیید جامعه واقع می شود. تغییرات هویتی افراد گاه از مرزهای مورد قبول یک فرهنگ فراتر می رود. اگر تغییرات هویتی در خارج از مرزهای مقبول فرهنگی جامعه واقع شود و شیوه هایی از زندگی را که با عقاید و ارزشهای اجتماعی در تقابل هستند به دنبال بیاورد به تعارض فرهنگی منجر می شود که اضطراب و نگرانی های اجتماعی فراوانی به همراه دارد.

تعارضات فرهنگی می تواند علل مختلفی داشته باشد، برخی از علل آن درونی است و به نوآوریها و فعالیت های افرادی که در درون فرهنگ اجتماعی حضور دارند باز می گردد و برخی از علل، بیرونی است و در اثر تأثیر پذیری از فرهنگ های دیگر به وجود می آید.

● جشن هسته ای



● به نظر شما، آیا هر نوع از ابداع و نوآوری و یا هر نوع مواجهه و اقتباس از فرهنگ های دیگر به تعارضات فرهنگی منجر می شود. برای هر مورد نمونه هایی را ذکر کنید.





تحرك اجتماعى ، فرصت اجتماعى ،

.....

.....



جهان اجتماعى براى تحرك اجتماعى و تغييرات هویتى فرصت ها و

محدودیت هاى ایجاد مى کند.

.....

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....

.....



● هویت اجتماعی افراد و هویت فرهنگی جامعه

دانشتیم هویت اجتماعی افراد محصول عضویت اجتماعی و گروهی آنهاست. جامعه نیز هویت خاصی دارد که از آن به هویت فرهنگی جامعه تعبیر می‌شود. به نظر شما هویت فرهنگی جامعه چیست و چه تفاوتی با هویت اجتماعی افراد دارد؟

هویت فرهنگی جامعه بر مدار عقاید و ارزشهای اجتماعی شکل می‌گیرد. هویت فرهنگی هنگامی محقق می‌شود که عقاید و ارزشهای مشترکی در جامعه شکل گیرد. یعنی هرگاه نوعی از عقاید و ارزشها از سوی افراد جامعه پذیرفته و به رسمیت شناخته شود، هویت فرهنگی بر محور آن عقاید و ارزشها پدید می‌آید. هویت فرهنگی جامعه پدیده‌ای گسترده‌تر از هویت اجتماعی افراد است. هویت اجتماعی افراد همواره در پرتو هویت فرهنگی جامعه شکل می‌گیرد. هویت فرهنگی به اقتضای بخش‌های مختلف اجتماعی فرصت شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی متفاوتی را پدید می‌آورد و در برابر انواع هویت‌های اجتماعی که با عقاید و ارزشهای آن ناسازگار باشند مقاومت می‌کند.



هویت فرهنگی جامعه تا زمانی که عقاید و ارزشهای مربوط به آن مورد پذیرش افراد جامعه و برای آنها مهم باشند دوام می‌آورد و هرگاه عقاید و ارزشها اهمیت و اعتبار خود را از دست بدهند زایل و نابود می‌شود.

● آیا هویت فرهنگی جامعه می‌تواند مستقل از هویت اجتماعی افراد وجود داشته باشد یا نه؟



● تزلزل فرهنگی و بحران هویت

تزلزل فرهنگی چیست و چه ارتباطی با بحران هویت دارد و آیا هر بحران هویتی به تحولات فرهنگی منجر می‌شود؟

اگر شیوه زندگی، ناسازگار با عقاید و ارزشهای اجتماعی یک فرهنگ تداوم پیدا کند و فرهنگ نتواند رفتارهای اجتماعی را مطابق با مبانی خود، سازمان بخشد تعارض این دو بخش فرهنگی می‌تواند به تزلزل فرهنگی منجر شود.

تزلزل فرهنگی هنگامی رخ می‌دهد که مبادی هویت ساز فرهنگ، یعنی عقاید، ارزشها و آرمانها، ثبات و استقرار خود را در متن فرهنگ از دست بدهد.

تزلزل فرهنگی با بحران هویت همراه است، زیرا بحران هویت در جایی به وجود می‌آید که جامعه توان حفظ و دفاع از عقاید و ارزشهای اجتماعی خود را نداشته باشد.

بحران هویت می‌تواند به دگرگونی و تحول هویت فرهنگی منجر شود. با تغییر هویت تغییرات اجتماعی از محدوده تغییراتی که در درون یک فرهنگ رخ می‌دهد فراتر می‌رود و به صورت تحولات فرهنگی و تمدنی در می‌آید. تغییرات فرهنگی و تمدنی می‌تواند

مثبت یا منفی باشد. اگر فرهنگی که گرفتار زلزله، بحران و تحول می‌شود، اولاً فرهنگی باطل باشد؛ ثانیاً جهت تغییرات نیز به سوی فرهنگ حق باشد، تحولات فرهنگی مثبت است و اگر فرهنگی که رسمیت و اعتبار اجتماعی خود را از دست می‌دهد فرهنگ حق باشد یا آن که جهت تحولاتی که در فرهنگ واقع می‌شود به سوی فرهنگ حق نباشد، تحول مثبت نیست. تحول جامعه جاهلی به جامعه نبوی تحول فرهنگی مثبت و تحول جامعه نبوی به جامعه اموی، تحول فرهنگی منفی است.

● به نظر شما تفاوت زلزله فرهنگی با تعارض فرهنگی در چیست؟ آیا تعارض فرهنگی به زلزله فرهنگی منجر می‌شود؟



● علل درونی تحولات فرهنگی

تغییرات و تحولات فرهنگی چرا رخ می‌دهد و چه علل و عواملی آن را به وجود می‌آورند؟

علل و عواملی که بحرانهای فرهنگی را به وجود می‌آورند و هویت‌های فرهنگی را تغییر می‌دهند، به دو بخش درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند. علل درونی یا به کاستی‌ها و بن بست‌هایی که در هویت خود فرهنگ وجود دارد باز می‌گردد یا به ابداعات و نوآوری‌های مثبت و منفی افرادی که در درون آن فرهنگ

● شاه و کارتر



● دستبوسی درباریان





تمدن قرار دارند مربوط می شود. علل بیرونی، به مواجهات و ارتباطات بین فرهنگی باز می گردد.

یک فرهنگ اگر پس از تحقق و شکل گیری با کاستی ها و بن بست های درونی مواجه شود، گرفتار کهولت و مرگ طبیعی می شود. مرگ طبیعی یک فرهنگ هنگامی رخ می دهد که آن فرهنگ با وجود به کارگیری تمامی ظرفیت های خود، با هویت جسمانی و معنوی افراد اصطکاک پیدا کند و از پاسخ به نیازهای طبیعی و جسمانی یا فطری و معنوی آنها باز ماند.

فرهنگی که نتواند نیازهای جسمانی و طبیعی آدمیان را سازمان دهد، با بحرانهای زیست محیطی و اقتصادی و معیشتی به بن بست می رسد.

فرهنگی که متناسب با نیازهای معنوی و روحی افراد عمل نکند و پرسش های وجودی آدمیان را درباره معنای زندگی و مرگ پاسخ ندهد و در مسیر غفلت از این پرسش ها روزگار بگذراند یا با شکاکیت و پوچ انگاری مواجه شود، نشاط زندگی را از دست می دهد و با انواع مختلف آسیب ها مانند یأس، ناامیدی و خودکشی افراد رویارو می شود. کاستی و خلأ معنوی، اندیشوران و متفکران اجتماعی را به باز اندیشی درباره بنیانهای عقیدتی و ارزشی فرهنگ فرا می خواند و آنها را برای عبور از مرزهای هویت فرهنگی جامعه تشویق می کند.

● متفکرین جهان غرب، در طی قرن بیستم آثار متعددی درباره بحران دنیای متجدد و دوران بعد از تجدد (پسامدرن) نوشته اند. درباره این آثار و رویکردهای آنان تحقیق کنید.